

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۹۷

وصول مقاله: ۱۳۹۶/۸/۲۲

تأیید نهایی: ۱۳۹۷/۴/۱۳

صفحات: ۶۱ - ۷۴

ارزیابی شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری با رویکرد مدیریت محله‌محور (مورد شناسی: محلات شهر همدان)

دکتر سعید ملکی^۱، دکتر جواد زارعی^۲، شاهرخ زادولی خواجه^۳

چکیده

امروزه رویه غالب عملکردی در برنامه‌ریزی شهرهای کشور ما، بیشتر حرفه و تکنیکی است که از سوی بخش دولتی مستوفی می‌شود و حلقه گم شده آن مشارکت جامعه مدنی و بخش خصوصی در اداره امور شهری است. در این راستا بهترین الگو در جهت رفع نقیصه فوق، تحقق حکمروایی مطلوب شهری است که می‌توان تشکیل نهادهای مردمی از جمله مدیریت محله‌محور را از آن قبیل به‌شمار آورد؛ از این رو هدف این پژوهش، ارزیابی شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری با رویکرد مدیریت محله است. تحقیق با رویکرد توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر داده‌های پرسشنامه‌ای است که به روش اسنادی و پیمایشی صورت گرفته است. جامعه آماری آن شهروندان محلات مدرس، الوند و کوچه‌مشکی (۶۳۲۲۱ نفر) شهر همدان است که حجم نمونه براساس مدل کوکران ۳۸۲ نفر به‌دست آمده است. مطابق با نتایج آزمون ANOVA و TUKEY مشخص شد که شاخص‌های شفافیت، عدالت، اثربخشی و کارایی در محلات شهر همدان، بیشترین میزان عملکرد را در مطلوبیت حکمروایی شهری دارند. همچنین نتایج حاصل از آزمون تحلیل تشخیص نیز بیانگر توان بیشتر شاخص‌های قانونمندی، عدالت و اثربخشی در پیش‌بینی میزان مطلوبیت حکمروایی شهری در محلات شهر همدان است. همچنین به منظور دستیابی به حکمروایی مطلوب در این محلات، بازتنظیم قوانین مصوب در رابطه با مدیریت محله-محور با تأکید بر شاخص‌های پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری و شفافیت پروژه‌های عمرانی در محلات به‌منظور آگاه‌سازی شهروندان و استفاده از مشارکت آن‌ها در طرح‌ها و پروژه‌ها ضروری است.

کلید واژگان: حکمروایی، حکمروایی مطلوب شهری، مدیریت محله‌محور، محلات شهر همدان.

مقدمه

شهر به‌عنوان پدیده‌ای پیچیده و پویاست که در گذر زمان همواره دچار تحولاتی کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی و فرهنگی می‌شود و بزرگ‌ترین بستر اجتماعات انسانی و مؤثرترین سیستم هوشمند تأثیرگذار بر شرایط و مشخصه‌های زیست‌محیطی زمین است (Watson, 2009:153). در نتیجه رشد سرسام‌آور شهرها، مدیریت شهری به‌علت فقدان منابع و زمان لازم برای پاسخگویی به نیازهای فزاینده شهروندان، دچار معضلی شده که رهایی از آن تنها در چارچوب راه‌حل‌های نوین قابل جستجو است (حاتمی‌نژاد و فرجی مولایی، ۱۳۹۰: ۵۵). از طرفی رهیافت سنتی و متداول مدیریت شهری بر مبنای تمرکزگرایی در سطح ملی و تمرکززدایی در سطح محلی، برنامه‌ریزی یکپارچه در سطح کلان ملی، برنامه‌ریزی بخشی میان‌مدت، نظام بسته و انحصارطلبانه دولتی، اقدامات واکنشی و تنظیم‌کننده وضع موجود با استفاده از راه‌حل‌های فن‌سالارانه استوار بوده است (غراوی، ۱۳۹۱: ۱۹۸). در مقابل رهیافت نوین اداره شهرها بر تمرکززدایی در سطح ملی و تمرکز در سطح محلی، نظام باز و کثرت‌طلبی در جامعه مدنی، اقدامات ابتکاری و تسهیل‌کننده وضع مطلوب، عمل اجتماعی و مشارکت فراگیر استوار است (لاله‌پور، ۱۳۸۶: ۶۰).

در دهه‌های اخیر نیز بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای مدیریت و برنامه‌ریزی بر ترویج نوعی نگرش مشارکتی برای تشویق مدیریت و برنامه‌ریزی از «پایین به بالا» و تأکید بر اجتماعات محله‌ای به‌منظور توانمندسازی آن‌ها و نظارت بر اقدامات توسعه‌ای تأکید داشته‌اند (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۲). در این راستا، مطالعات زیادی در سال‌های اخیر صورت گرفته که نتایج آن‌ها سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و ایجاد سازوکاری به‌منظور شکل‌گیری مدیریت در سطح محلات را پیشنهاد داده‌اند. این عمل توسط مهندسان، اقتصاددانان، سیاسیون و اخیراً توسط برنامه‌ریزان شهری صورت می‌گیرد؛ ولی نکته

مغفول‌مانده در این رویه، تأثیراتی است که شهروندان عادی و معمولی بر محیط شهری پیرامون خود دارند (Evans & et al, 2005:10). این مسأله در جهان سوم بسیار پررنگ‌تر است؛ زیرا تعداد بیشتری از مردم، خارج از برنامه‌ریزی دولتی و چارچوب منظم زندگی می‌کنند (Davis, 2006). برنامه‌ریزان دولتی همانند سیستم سرمایه‌داری معمولاً به‌طور عمدی از این‌گونه فضاهای شهری چشم‌پوشی می‌کنند؛ زیرا این‌گونه فضاها نه برای آن‌ها فرصتی برای سود (سرمایه‌داری) و نه مداخلات ضروری تقویت‌کننده سیاسی فراهم می‌کند؛ بنابراین شواهد آن را می‌توان در افزایش غیرقابل پیش‌بینی سکونتگاه‌های غیررسمی، افزایش فقر شهری و غیره مشاهده کرد (Beard, 2013:707)؛ اما نکته کلیدی و در عین حال بسیار روشن در این رابطه، تجدیدنظر در نحوه برخورد با مسائل شهری و اتخاذ رویکردی جدید است؛ زیرا اگر رویکردهای قبلی قادر به پاسخگویی و از بین بردن آن می‌بودند، پس چرا شاهد توسعه اجتماعات محلی نیستیم؟

از طرفی بروز و گسترش مسائل و چالش‌های شهرنشینی و اداره شهر، به‌ویژه از دهه ۱۹۵۰ به بعد، لزوم چاره‌جویی و ارائه سیاست‌ها، نظریه‌های توسعه شهری و مدل‌های جدید و کاربردی‌تر در زمینه مدیریت شهری را مطرح ساخت. تا اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی، برنامه‌ریزی و مدل‌های مدیریت که در کشورهای در حال توسعه به‌کار گرفته می‌شد، عمدتاً رویکردی عرضه-محور^۱ داشتند؛ بر این اساس، دولت‌ها در شکل شعب محلی حکومت مرکزی، مسئولیت اصلی مدیریت نواحی شهری را به‌عهده داشتند (beard, 2007:8). ون دایک با برشمردن ۹ چالش عمده فراروی مدیریت شهری، در صدر آن‌ها به موضوعاتی از قبیل تغییر نقش حکومت و سطوح آن، شکل‌گیری چارچوب‌های جدید قانونی در نتیجه تمرکززدایی، ظهور سازمان‌ها و نهادهای جدید و اهمیت ظرفیت‌سازی برای مدیریت شهری اشاره می‌کند. به اعتقاد وی در پی تحولات گسترده جهانی، نقش حکومت و سطوح

مسئول و معامله به مثل اجتماعی را از ارکان حکمروایی مطلوب شهری می‌دانند.

به‌طور کلی مبحث حکمروایی شهری (حکمروایی خوب شهری)، که ناظر بر نوع خاصی از رابطه میان دولت و جامعه مدنی است و تأکید بر واگذاری قسمتی از اداره امور شهر به شهروندان دارد، در این پژوهش مطرح شده است و به‌تبع آن، بحث ساختار مدیریت شهری مناسب، در جهت تحقق حکمروایی مطلوب مطرح می‌شود. در کشور ما نیز تحقق این مهم براساس انتخاب شوراهای و در ادامه انتخاب شهردار است تا حکمروایی شهری موردنظر تحقق یابد. این پژوهش با هدف سنجش میزان تحقق شاخص‌های حکمروایی شهری در محلات شهر همدان با رویکرد مدیریت محله‌محور است. در واقع بررسی محلات منتخب شهر همدان و چگونگی مدیریت شهری در این شهر، با توجه به کارکردهای مرتبط آن، نشان از نبود حکمروایی خوب شهری در آن دارد. در حالی که در هر برنامه مدیریت شهری باید به جایگاه انسان و ارزش‌های انسانی ارج نهاده شده و مدیریت شهری به‌خوبی تشخیص دهد که برای سلامت زندگی در شهرها چه کارکردهایی لازم و کدام مضر است.

در این راستا در پی پاسخ به سؤالات زیر هستیم: چه شاخص‌هایی در شکل‌گیری الگوی مطلوب حکمروایی شهری محلات شهر همدان، عملکرد بیشتری دارند؟

کدام یک از مؤلفه‌های منتخب پژوهش، در پیش‌بینی میزان تحقق حکمروایی مطلوب شهری، توان بیشتری دارند؟

مبانی نظری

حکمروایی مطلوب شهری

قدمت و منشأ حکمروایی و مفاهیم مرتبط با آن به عصر روشنگری و لیبرالیسم غربی برمی‌گردد، اما ریشه کاربرد مفهوم حکمروایی شهری از اواخر دهه ۱۹۸۰ و از آفریقا آغاز شد؛ با این وجود، برایان مک‌لین^۴ اولین

آن به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، در حال تغییر است (Van Dijk, 2006:15-27). این تحول در قالب تغییر نقش حکومت‌ها از یک تأمین‌کننده خدمات به تسهیل‌گر و ایجاد فرصت‌های جدید برای مداخله و مشارکت گروه‌های مختلف در روند اجرای امور به‌وجود می‌آید؛ بنابراین لزوم «استفاده از ظرفیت‌های محله‌ای» و بازتعریف نقش «بازیگران و کنشگران مدیریت شهر» در سطح محله‌ای، منجر به شکل‌گیری و اجرای الگویی جدید از مدیریت شهری در سطح محلات به‌عنوان «مدیریت محله‌محور» شده است.

درباره حکمروایی مطلوب شهری، مطالعات متعددی صورت گرفته است. کاداگو^۱ و همکاران (۲۰۱۰)، در پژوهشی به بررسی حکمروایی مطلوب شهری، فعالیت‌ها، روابط و پارادایم‌ها در نایروبی پرداخته‌اند و شفافیت و پاسخگویی را از مهم‌ترین معیارهای حکمروایی مطلوب در این شهر برشمرده‌اند. موریتا و زالکه^۲ (۲۰۰۷)، در پژوهشی به ارتباط نقش قانون، حکمروایی خوب و توسعه پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که حکمروایی خوب نقش بسیار مهمی در توسعه پایدار دارد، به‌گونه‌ای که مدیریت مؤثر انسان، طبیعت و منابع مالی در جهت عدالت و توسعه پایدار توسط آن انجام می‌شود.

داونر^۳ (۲۰۰۰)، به بررسی اصول و رهنمودهای اجرای حکروایی مطلوب شهری پرداخته است. وی پنج مؤلفه مهم حکمروایی خوب شهری را کارایی و اثربخشی، مساوات و برابری، مشارکت، پاسخگویی و امنیت معرفی کرده و برای هر مؤلفه چند شاخص مشخص کرده است.

موحد و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی به بررسی حکمروایی خوب شهری در محله‌های شهری منطقه ۱۹ شهرداری تهران پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که تنها ۲۴ درصد از محلات دارای وضعیت مطلوبی از منظر این رویکرد هستند. تقوایی و تاجدار (۱۳۸۸)، در پژوهشی نفوذ و نظارت شهروندان، رهبریت پاسخگو و

1. Kadago
2. Morita and Zaelke
3. Downer

حکمروایی مطلوب شهری مبتنی بر حقوق شهروندی است و همه شهروندان از دسترسی به نیازهای ضروری زندگی شهری شامل مسکن، امنیت شغلی، آب سالم، بهداشت، محیط‌زیست پاک، سلامتی، آموزش و تغذیه، اشتغال، امنیت عمومی و تحرک نایستی محروم باشند. از طریق حکمروایی مطلوب شهری، شهروندان می‌توانند برنامه‌ای را تهیه کنند که به‌واسطه همین برنامه از استعداد خود برای بهبود موقعیت و شرایط اجتماعی و اقتصادی استفاده کنند (UN-HABITAT; 2002, 14). حکمروایی مطلوب شهری، حاکی از آن است که همه شهروندان، اعم از فقرا و گروه‌های به‌حاشیه رانده‌شده، این حق را دارند که:

- به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تصمیم‌گیری‌هایی که زندگی و معیشت آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مشارکت داشته باشند.
- سهم آن‌ها در توسعه شهری به رسمیت شناخته شود، حتی اگر این کار از طریق بخش‌های غیررسمی صورت بگیرد.
- به مزایا و منافع که از طریق توسعه شهری ایجاد می‌شود، سهمین شوند؛ مزایایی همچون دسترسی به خدمات و زیرساخت‌های شهری و زمین برای ساخت مسکن (Sheng, 2010:135).

یکی از اهداف اصلی رویکرد حکمروایی این است که ساکنان شهرها از یک شهروند انفعالی به یک شهروند فعال و مسئولیت‌پذیر تبدیل شوند. در واقع با ایجاد فضای رقابتی، شهروندان را به‌صورت سیستماتیک در مدیریت و اداره امور خود دخیل کرده تا اقدامات ضروری در جهت بهبود امور خویش را به انجام برسانند. در این زمینه مفهوم «توانمندسازی» مطرح می‌شود. در واقع حکمروایی شهری با خلاقیت فراوان، سیاست از پایین به بالا، شبکه‌های خودسازمانی را توسعه داده و رویکردهای سنتی سلسله‌مراتبی و سیاست از بالا به پایین و دیوان‌سالاری را کمرنگ و ناکارآمد کرده است (Dekker and Kempen, 2004)؛ بنابراین مفهوم حکمروایی مطلوب شهری جزو مفاهیم هنجاری بوده و می‌تواند به‌عنوان الگوی عملکردی استفاده شود

نظریه‌پردازی است که در سال ۱۹۷۳ به این مفهوم پرداخته است. وی شهر را به‌عنوان یک سیستم باز در نظر می‌گیرد؛ سیستمی که نسبت به تغییرات رو به رشد از سازگاری بیشتری برخوردار بوده و نسبت به مسائل آن پاسخگوست. او عقیده دارد فرایند سیستمی حاکم‌بر شهر بر سیستم برنامه‌ریزی و نظام تصمیم‌گیری اثر می‌گذارد و حاکمیت یک فرایند است و این متضمن نظام به‌هم‌پیوسته‌ای است که هم حکومت و هم اجتماع را دربرمی‌گیرد (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۸). پاسخگویی، تناسب و آینده‌نگری در حاکمیت، توانایی برخورد مؤثر با مسائل جاری و پیش‌بینی رویدادها، نه‌تنها به شبکه‌های سازمانی رسمی بستگی دارد؛ بلکه مستلزم شبکه‌ای غیررسمی است. شبکه‌ای که مردم را قادر می‌سازند زمانی که شبکه‌های رسمی، در کار فرومی‌مانند آن را به انجام رسانند (مافی و شاداب‌مهر، ۱۳۹۳: ۲). حکمروایی خوب، شفاف، پاسخگو و مساوات‌طلب است و حاکمیت قانون را ترویج می‌کند و برای افراد کم‌درآمد و کسانی که بیشتر از برنامه‌ریزی تأثیر می‌پذیرند، فرصت اظهار نظر در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و توزیع منافع را به‌وجود می‌آورد (Roberts & et al, 2007:969). حکمروایی به روش شیوه یا نظام اداره‌ای اشاره دارد که مرز بین سازمان‌ها و بخش عمومی و خصوصی را نفوذپذیر کرده است (Urban Task Force, 1999). ماهیت حکمروایی در ارتباط متقابل و کنش و واکنش بین و درون نیروهای حکومتی و غیرحکومتی است (Racodi, 2001:12). در واقع می‌توان حکمرانی را رابطه بین جامعه مدنی و دولت، بین حکمرانان و حکمرانی‌شوندگان، حکومت و حکومت‌شوندگان به‌شمار آورد (Mc.Carny & et al, 1995: 5). براساس تعاریف برنامه عمران سازمان ملل متحد، حکمروایی خوب عبارت است از: مدیریت امور عمومی براساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت‌داری (صراف و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۵: ۶).

کارایی و اثربخشی^{۱۰}، پذیرا بودن و پاسخ‌ده بودن^{۱۱}، بینش راهبردی^{۱۲} (Undp, 2000:1).

مدیریت محله‌محور

در ارتباط با مدیریت محله می‌توان بحث را با این مقدمه شروع کرد که برای اداره عمومی شهر دو دیدگاه وجود دارد؛ در دیدگاه نخست «حکومت» قرار دارد که شهرداری مسئولیت همه امور را برعهده دارد و دیدگاه دوم بر مبنای حکمروایی مطلوب است. دیدگاه دوم به مقوله مدیریت محله‌ای نزدیک است، چون تقسیم وظایف در آن وجود دارد (معصومی، ۱۳۹۰:۱۲۷). مدیریت محله‌ای رویکرد نسبتاً جدیدی به بهبود خدمات عمومی است. در ساده‌ترین حالت، مدیریت محله ارتباطی است بین جوامع محلی و ارائه‌دهندگان خدمات محلی در سطح یک محله به منظور مقابله با مشکلات محلی و بهبود خدمات محلی (Department for communities and local government, 2011:1). مدیریت محلی براساس مسئولیت شهروندی، عدم تمرکز و احساس تعلق شکل می‌گیرد. پیش‌شرط‌های اصلی تحقق عملی مدیریت محلی عبارت‌اند از:

- توانایی فنی و مدیریت حکومت محلی؛
- مشروعیت سیاسی در تصمیم‌گیری؛
- دسترسی به منابع؛
- دارا بودن چارچوب حقوقی (محقر و شفیعی، ۱۳۹۰:۱۲).

دو رهیافت کلی در سنجش عملکرد مدیریت در سطح محلی قابل طرح است؛ رهیافت اول در حوزه مطالعات سازمان‌هاست که مفاهیم «کارایی» و «اثربخشی» و شاخص‌های مرتبط با آن را مورد توجه قرار می‌دهد. رهیافت دوم در حوزه جامعه‌شناسی است که در چارچوب نظریه سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر عملکرد سازمان‌های مدیریت در سطح محلی است (Andreasen, 2002:95).

(Kadago & et al; 2010: 1). همچنین مفهوم حکمروایی مطلوب شهری متضمن همه ویژگی‌ها و شاخص‌های هنجاری موازی با مفهوم حکمروایی و حکمروایی مطلوب است و دربرگیرنده مسئولیت‌پذیری، انصاف و کارایی، مشارکت، نقش جامعه مدنی و غیره است و در عین حال این مفهوم به یک بُعد فضایی اشاره می‌کند و شامل برنامه‌ریزی به‌عنوان کارکرد حکمروایی شهری است (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۰:۴۱).

طبق این تعاریف حکمرانی شهری، هم نهادهای رسمی و هم اقدامات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان را دربر می‌گیرد (UN- Habitat, 2007) و دارای شرایط و ویژگی‌هایی است که دستیابی به شهر پایدار و شهر فراگیر وابسته به اجرای آن‌هاست. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: پایداری، عدم تمرکز، عدالت، کارایی، شفافیت، پاسخگویی، مشارکت مدنی، شهروندمداری و امنیت (Vansant, 2001:6).

در رابطه با شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری محققان بانک جهانی مانند دانیل کافمن^۱، آرت کرای^۲ و پابلو زوییدو لوبتون^۳، یافته‌های مؤسسات مختلف بین‌المللی همچون EIU، ICRG، بنیان هریتیج و خانه آزاد، پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی و جدیدی را با عنوان شاخص‌های حکمرانی معرفی کرده‌اند (Aijaz, 2009:146). درواقع بهترین و جامع‌ترین سند در این زمینه، در مطالعات و بررسی‌های سازمان ملل به چشم می‌خورد؛ زیرا مفهوم حکمروایی شهری در سال‌های اخیر در کانون توجه این سازمان قرار گرفته است. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: مشارکت شهروندان^۴، قانونمندی^۵، شفافیت^۶، مسئولیت و پاسخ‌گویی^۷، جهت‌گیری توافقی^۸، عدالت و انصاف^۹،

1. Daniel Kaufman
2. Aart Kraay
3. Pablo.Zoido.Lobaton
4. Participation
5. Role of Law
6. Transparency
7. Responsiveness
8. Orientation Consensus
9. Equity

- آمریکا و مدیریت محله در شهر برلین آلمان) می‌شود، چنین اظهار نظر کرد که عناصر زیر می‌توانند کلید موفقیت مدیریت محله باشند:
- محله با تعریفی واضح و روشن و مرزهای مشخص؛
 - درگیری^۳ و به‌کارگیری ساکنان محله؛
 - مدیر محله که پویا، بانفوذ و دارای قدرت باشد؛
 - مشارکت محلی برای ارائهٔ مسیر راهبردی؛
 - حمایت و تعهد نسبت به مقامات محلی؛
 - کیفیت مربوط به اطلاعات مورد نیاز؛
 - تعهد تأمین‌کنندگان خدمات و سازوکارهای تعدیل‌کننده میان ساکنان و خدمات (Department for Communities and Local Government, 2011; 2-3).

روش تحقیق

این پژوهش از نوع مطالعات کاربردی و با رویکرد توصیفی و تحلیلی است و برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی - میدانی (پرسشنامه) استفاده شده است. پس از مطالعهٔ منابع نظری و نظرسنجی از کارشناسان این حوزه، متغیرها در هشت محیط قانونمندی، مشارکت، پاسخ‌گویی، عدالت، شفافیت، اثربخشی و کارایی، امنیت و اجتماع‌پذیری دسته‌بندی شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات نیز از آزمون ANOVA و آزمون تعقیبی TUKEY و مدل تحلیل تشخیص^۴ در محیط نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. جامعهٔ آماری پژوهش، شهروندان محلات مدرس (۳۰۴۵۳ نفر)، الوند (۱۶۴۳۲ نفر) و کوچه مشکی (۱۶۳۳۶ نفر) شهر همدان می‌باشند که حجم نمونه براساس مدل کوکران ۳۸۲ نفر به‌دست آمده و برای تعیین نمونهٔ پژوهش از بین آن‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است.

داشته است، در اصطلاح «همسایه‌ها، محیط اطراف در همسایگی خود را ساماندهی می‌کنند» (NBN) عنوان گرفته است. طبق این طرح ساکنان «روچستر» برای آیندهٔ شهر خود برنامه‌ریزی می‌کنند و اولویت‌های بودجه‌بندی شهر خود را مشخص می‌کنند.

3- Involvement

۴- تحلیل تشخیصی برای ساخت و طراحی یک مدل پیش‌بینی از عضویت گروه‌ها براساس ویژگی‌های مشاهده‌شده برای هر مورد است.

البته نباید از این نکته غافل شد که در شهرهای جهان سوم به‌طور عام و در شهرهای کشور به‌طور خاص، مدیریت محله‌محور تلاشی است برای سیاست‌زدایی از حکومت محلی و تداوم فن‌سالاری که خود آن نیز براساس عملکرد مثبت مدیریت محله‌محور تحت‌تأثیر چگونگی شکل‌گیری و سازوکار نهادهای مدیریت در سطح محلی است و عامل مؤثری در فرایند استفاده از ظرفیت‌های محلی و دارایی جمعی در حکمروایی شهری خواهد بود.

این نوع مدیریت فرایندی است که هر محله را به‌عنوان موجودیت منحصربه‌فرد می‌شناسد و این امر را امکان‌پذیر می‌سازد تا جمعیتی که در محله زندگی، کار یا خدمات‌رسانی می‌کنند، نقاط قوت خود را تقویت کرده و به مقابله با چالش‌های جدید بپردازند (Report of the Local Services and Community Safety, 2011: 7)؛ بنابراین مدیریت محله‌محوری، رویکردی نوین است که در آن شهر به چند محله تقسیم و در مدیریت آن بر استفاده از نیروها و منابع انسانی و فرصت‌های محلی تأکید شده و نیازسنجی‌ها نیز براساس اظهارات ساکنان محله انجام می‌گیرد. در این رویکرد، ساکنان محله بهترین کسانی تلقی می‌شوند که می‌توانند مدیریت شهری را به‌منظور شناخت هرچه بیشتر مسائل و مشکلات محله و همچنین ارائهٔ راه‌حل یاری کنند (Renewal Unit, 2006: 7).

مدیریت محله می‌تواند با توجه به ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشورهای مختلف، به اشکال و فرم‌های گوناگون شکل گرفته و به اهداف و چشم‌اندازهای مورد نظر نائل نشود؛ بنابراین با توجه به تجربهٔ ایجاد مدیریت محله در کشورهای مختلف (از جمله طرح NBN^۲ در شهر روچستر در ایالت نیویورک، کشور

1- Neighbors Building Neighborhoods

۲- یکی از جالب‌ترین و موفقیت‌آمیزترین شیوه‌ها در زمینهٔ مدیریت شهری که مدت ده سال است در شهر «روچستر» ایالت نیویورک در حال اجراست، طرح ابتکاری NBN است که در واقع یک سیستم مدیریت شهری به شکل مشارکتی است و در آن مردم همگام با دولت در همهٔ تصمیم‌گیری‌های مربوط مشارکت می‌کنند. در این روش هر کس اقدام به ساماندهی محیط اطراف خود می‌کند و همهٔ اقدامات سازنده در زمینهٔ بهبود وضعیت زندگی محل سکونت خود مشارکت کند. این سیاست عجیب که بازدهی بسیار خوبی تاکنون



شکل ۱. روند پژوهش

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴)

برای ارزیابی شاخص‌های حکمروایی مطلوب در محلات شهر همدان در پی دستیابی به پاسخ سؤالات پژوهش بوده و با استفاده از داده‌های استخراجی از پرسشنامه در قالب ۸ شاخص کلی قانونمندی، مشارکت، پاسخ‌گویی، عدالت، شفافیت، اثربخشی و کارایی، امنیت و اجتماع‌گرایی و ۵۸ زیرشاخص استفاده شده است که در جدول شماره ۱ جزئیات شاخص‌های منتخب پژوهش آمده است.

شاخص‌های پژوهش

شاخص‌های منتخب در پژوهش حاضر با رجوع به ادبیات تحقیق و همچنین یافته‌های بانک جهانی و سازمان ملل متحد که شاخص‌های پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی و جدیدی با عنوان شاخص‌های حکمرانی معرفی کرده‌اند؛ انتخاب شده و مورد پرسش قرار گرفته‌اند. در این راستا پژوهش حاضر

جدول ۱. گویه‌های مورد استفاده برای سنجش وضعیت حکمروایی مطلوب شهری در محلات شهر همدان

ابعاد	شاخص‌های فرعی
قانونمندی	رابطه‌بازی در کارهای اداری مربوط به محله، میزان تأثیرگذاری گروه‌های بانفوذ در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله، شرکت افراد ذی‌نفع در مدیریت محله، میزان پابندی اهالی محله به قوانین و مقررات، پابندی مدیریت محله به حقوق اهالی محله، آگاهی و اطلاع مدیریت محله از حقوق شهروندی محله، پابندی مدیریت محله به عرف و آداب و رسوم محله، التزام مدیریت محله به برابری در برابر قانون، آگاهی مدیریت محله از حقوق مکان زندگی، مقاومت مدیریت محله در برابر رفتارهای خلاف قانون اهالی محله
مشارکت	مشارکت در فعالیت عام‌المنفعه، مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مشارکت نهادهای مدنی و بخش خصوصی در برنامه‌ریزی، جذب سرمایه‌گذاری در محله، نظارت اهالی محله بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله، ایجاد بستری برای فعالیت مردم، تفویض اختیار به مردم، تسهیل مداخله شهروندان در روند توسعه محله
مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی	میزان پاسخگویی مدیریت محله، برگزاری جلسات عمومی برای تشریح اقدامات برای عموم، رضایتمندی از پاسخگویی مدیریت محله، ایجاد ساز و کاری برای انتقال نیازها و خواسته‌های اهالی محله به مسئولان، صادق بودن مدیران محله در ارائه برنامه‌ها، پاسخگو بودن مدیران محله به‌عنوان یک اصل و باور، نبود فعالیت‌های بی‌برنامه، جذب مشارکت از طریق پاسخگویی مدیران محله، همبستگی بین مردم و مسئولان از طریق پاسخگویی مدیران.
عدالت	عدالت در توزیع برابر و عادلانه امکانات محله، رابطه‌بازی کردن در امور محله، دسترسی به فرصت‌های برابر و یکسان، رسیدن به اهداف طرح‌های محله، توجه به منافع عمومی، رعایت حقوق شهروندی، استفاده معقولانه از منابع و امکانات، عدالت جنسیتی.
شفافیت	شفافیت در تصمیم‌گیری، شفافیت در ارائه عملکرد، صداقت در دادن اطلاعات، نظرخواهی از مردم در اجرای طرح‌ها، مصمم بودن به اجرای تصمیمات، ایجاد فضا در جهت اظهار نظر اهالی نسبت به عملکرد مدیریت محله.
اثربخشی و کارایی	مستمر بودن فعالیت‌های مدیریت محله، بهبود روش‌ها و اقدامات براساس علم روز، میزان بهبود شیوه امور، کاهش هزینه‌ها و ارتقای کیفیت خدمات، میزان رضایتمندی اهالی محله از اقدامات مدیریت محله، پوشش خدمات در سطح محله، همکاری با بخش‌های مختلف جامعه، میزان تأثیر اقدامات مدیریت محله برای دستیابی به اهداف.
امنیت	میزان عملکرد مدیریت محله در ایجاد امنیت، میزان تأثیر وضع قوانین بر امنیت محله، میزان خدمات پیش‌بینی شده در محیط محله (نورپردازی و عرض معابر و پشت بوته‌ها)، هماهنگی مدیریت محله با سازمان‌های انتظامی.
اجتماع‌گرایی	میزان تساهل و پذیرش رویکردهای متنوع، میزان مدارای مدیریت با مخالفان، میزان دخالت مردم در تنظیم و کنترل منابع، توانایی در تقویت مکانیزم‌های بومی و محلی.

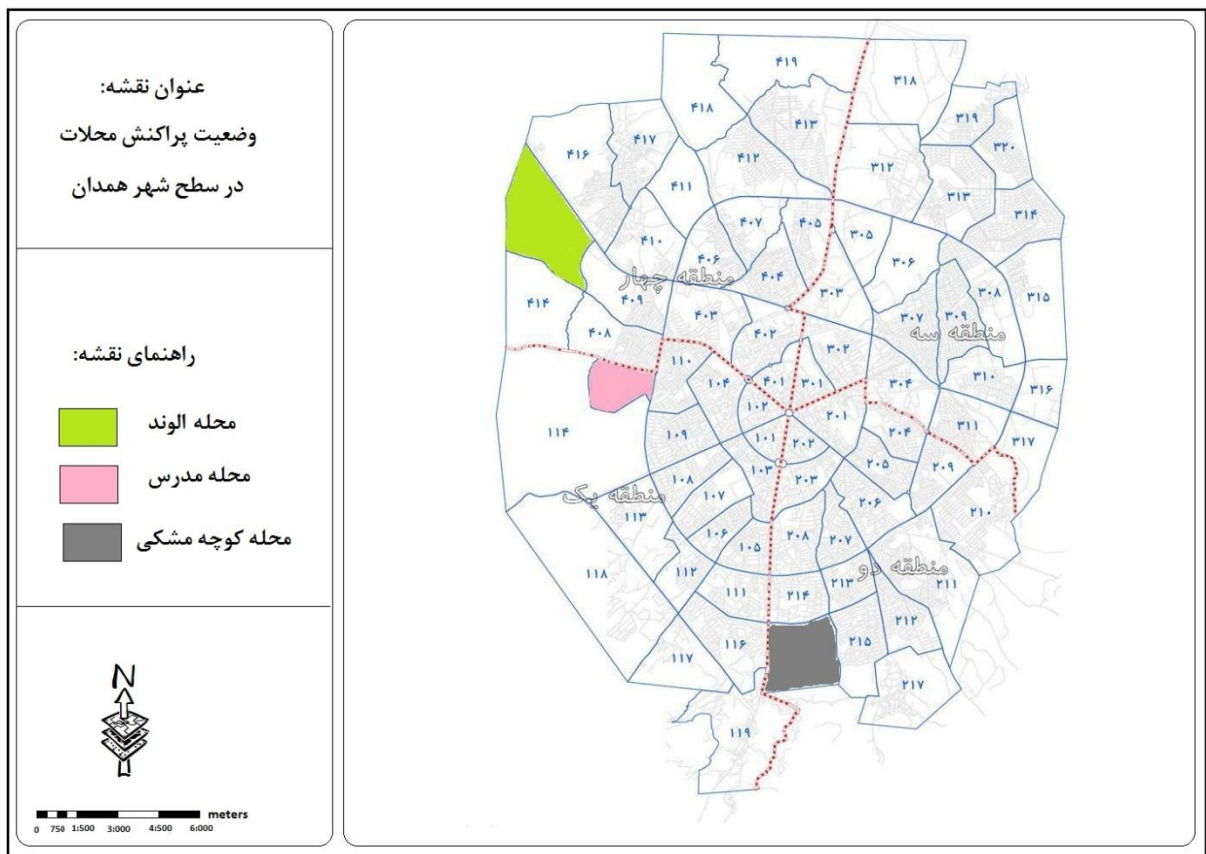
(منبع: مطالعات اسنادی نگارندگان، ۱۳۹۴)

منطقه مورد مطالعه

همدان یکی از کلان‌شهرهای ایران در منطقه غربی و کوهستانی ایران و مرکز شهرستان و استان همدان است. این شهر در دامنه کوه الوند و در بلندای ۱۷۴۱ متری از سطح دریا واقع شده است و از شهرهای سردسیر ایران به‌شمار می‌آید. همدان قدیمی‌ترین شهر ایران و از کهن‌ترین شهرهای جهان است. در سال ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌ای همدان را «پایتخت تاریخ و تمدن ایران» اعلام کرد. این شهر از لحاظ جمعیت مطابق با آمار سال ۱۳۹۰ دارای

۵۲۵۷۹۴ نفر جمعیت و چهاردهمین شهر پرجمعیت

ایران به‌شمار می‌آید و مساحت آن برابر با ۶۲۸۵٫۸ هکتار است. همدان یکی از مراکز صنعت گردشگری و صنایع‌دستی کشور، هم از حیث میراث فرهنگی و قدمت تاریخی و هم از حیث امکان وضعیت گردشگری است (آمارنامه شهر همدان، ۱۳۹۳). محلات منتخب این پژوهش، مدرس (منطقه ۱)، الوند (منطقه ۴) و کوچه‌مشکی (منطقه ۲) بوده است و هدف از انتخاب این محلات، توجه به اصل پراکندگی جمعیت تقریباً یکسان است (شکل ۲).



شکل ۲. محلات مورد مطالعه
(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴)

$$SSK = \sum_{i=1}^k \frac{(X_i)^2}{n_i} - \frac{X_{..}^2}{n}$$

تقسیم مجموع مربعات درون گروهی بر درجه

$$SSE = \sum_{j=1}^k \sum_{i=1}^{n_j} x_{ij}^2 - \sum_{j=1}^k \frac{(x_j)^2}{n_j}$$

باتوجه به میزان آماره F با رقم ۳۷/۳۶۲ و سطح معناداری ۰/۹۹، نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که تفاوت معناداری میان شاخص‌های منتخب در پژوهش حاضر وجود دارد؛ بنابراین چنین استنباط می‌شود که حداقل یک زوج از طبقه‌ها با هم اختلاف دارند. حال برای مشخص کردن اینکه کدام‌یک از این زوج‌ها با هم متفاوتند، می‌باید از آزمون‌های ویژه موسوم به آزمون‌های «پس از تجربه» استفاده کرد. از طرفی به‌دلیل اهمیت و کثرت شاخص‌های منتخب از آزمون تعقیبی TUKEY استفاده شده است (جدول ۲).

یافته‌های پژوهش

به‌منظور سنجش عملکرد شاخص‌های حکمروایی شهری، از آزمون F یا تحلیل واریانس ۱ استفاده شده است. این آزمون برای سنجش میزان تفاوت بین میانگین یک متغیر در بین بیش از دو گروه (۳ گروه و بیشتر)، به‌کار می‌رود (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸: ۵۵۸). که در این پژوهش با استفاده از این آزمون و آزمون تعقیبی آن (TUKEY)، به‌دنبال مقایسه چندگانه در میان سه محله شهر همدان می‌باشم. فرمول کلی آزمون F به شکل زیر است:

$$V.R = \frac{MSK}{MSE}$$

که از طرق زیر به‌دست می‌آید:

تقسیم مجموع مربعات میان گروهی بر درجه آزادی:

جدول ۲. تحلیل واریانس مقایسه میانگین شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری در مدیریت محله

میزان واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	معناداری
میان گروهی	۳۶/۶۷۴	۷	۳۹۶/۷	۳۷/۳۶۲	۰/۰۰۰
درون گروهی	۴۱/۸۹۵	۳۲۷	۰/۱۴۳	-	-
مجموع	۷۸/۵۶۹	۳۳۴	-	-	-

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴)

N: تعداد کل مشاهده‌ها
Mse: میانگین مربعات خطای ارائه شده در تحلیل ANOVA

طبق نتایج، در شهرک مدرس، «شاخص‌های شفافیت و کارایی»، در شهرک الوند، «شاخص‌های عدالت و کارایی» و در محله کوچه مشکی، «شاخص‌های پاسخ‌گویی و کارایی» با دیگر شاخص‌ها تفاوت معناداری را نشان می‌دهند؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که در مدیریت این محلات شاخص‌های شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت و اثربخشی و کارایی از کارکرد بیشتری برخوردار هستند.

در ادامه هر یک از محلات با توجه به میزان امتیاز به دست آمده از آزمون تعقیبی TUKEY، در یک طبقه قرار می‌گیرند و آن دسته از شاخص‌های منتخب حکمروایی که با شاخص‌های دیگر اختلاف دارند، مشخص می‌شوند (در پژوهش حاضر با عنوان زیرمجموعه ۴ از آن‌ها یاد شده است «جدول ۳»)
که فرمول کلی آن به شکل زیر است:

$$HSD = q_{\alpha, k, N-k} \sqrt{\frac{MSE}{n}}$$

α: سطح معنی‌داری

K: تعداد میانگین‌ها

N: تعداد کل مشاهدات در رفتار

جدول ۳. زیرمجموعه‌های همگن با استفاده از آزمون TUKEY

گروه	شاخص	آلفای زیرمجموعه‌ها		
		۴	۳	۱
شهرک مدرس	مشارکت			۳/۳۵۵۲
	امنیت			۳/۴۷۴۳
	عدالت			۳/۵۳۲۱
شهرک الوند	قانونمندی			۳/۵۹۳۳
	پاسخ‌گویی و مسئولیت	۳/۶۷۴۸		۳/۶۷۴۸
	اجتماع‌گرایی	۳/۷۳۵۱		
کوچه‌مشکی	شفافیت	۴/۲۳۲۳		
	اثربخشی و کارایی	۴/۲۷۶۳		
		۴/۴۴۲۱		
شهرک الوند	مشارکت			۳/۹۶۵۳
	امنیت			۳/۳۶۲۱
	اجتماع‌گرایی			۳/۶۵۲۳
شهرک مدرس	قانونمندی			۳/۶۵۲۳
	پاسخ‌گویی و مسئولیت	۳/۵۱۲۴		۳/۵۱۲۴
	شفافیت	۴/۱۳۵۱		
کوچه‌مشکی	عدالت	۴/۱۳۵۱		
	اثربخشی و کارایی	۴/۱۳۵۱		
		۴/۱۳۵۱		
شهرک الوند	مشارکت			۳/۶۵۸۲
	امنیت			۳/۶۹۳۱
	قانونمندی			۳/۸۶۴۲
شهرک مدرس	مشارکت			۳/۸۸۳۱
	اجتماع‌گرایی	۴/۱۳۴۶		۴/۱۳۴۶
	شفافیت	۴/۳۱۵۹		
کوچه‌مشکی	عدالت	۴/۳۷۴۳		
	پاسخ‌گویی و مسئولیت	۴/۷۳۱۶		
	اثربخشی و کارایی	۴/۹۳۳۶		
شهرک الوند		۴/۹۷۴۵		

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴)

در شهرک مدرس، «قانون‌مندی با توان پیش‌بینی ۰/۳۱۵»؛ در شهرک الوند، «شاخص عدالت با توان پیش‌بینی ۰/۴۰۵» و در محله کوچه‌مشکی، «شاخص کارایی و اثربخشی با توان پیش‌بینی ۰/۴۵۷» بیش از دیگر مؤلفه‌های حکمروایی شهری توان پیش‌بینی در حوزه مطلوبیت حکمروایی شهری را دارد. این درحالی است که مدل تحلیل تشخیص با مقدار ویژه به‌دست‌آمده به میزان استاندارد در تشخیص و پیش‌بینی مطلوبیت از سوی کل ارزش ابعاد، عملکرد صحیحی داشته است.

با توجه به اینکه شاخص‌های اثربخشی و کارایی، شفافیت، عدالت و پاسخ‌گویی بیشترین میزان تفاوت را در بین مؤلفه‌های حکمروایی شهری محلات دارند؛ در ادامه این فرایند (جدول ۴) و با توجه به میزان لامبدای ویکلز^۱، وضعیت ابعاد منتخب پژوهش از نظر میزان توان پیش‌بینی آن‌ها در پایداری حکمروایی، مطلوب سنجیده شده است؛ زیرا در این آماره هرچه رقم لامبدای ویکلز به یک نزدیک‌تر باشد، نشان از کاهش توان پیش‌بینی دارد و هرچه به سمت صفر میل کند، قدرت پیش‌بینی افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۴. تحلیل تشخیص برای پیش‌بینی میزان حکمروایی مطلوب شهری در محلات شهر همدان

گروه	شاخص	لامبدای ویکلز	لامبدای ویکلز کلی	مقدار ویژه	توان پیش‌بینی	معناداری
شهرک مدرس	قانونمندی	۰/۱۴۵	۰/۲۵۲	۰/۷۸	۰/۳۱۵	۰/۰۰۰
	مشارکت	۰/۱۶۵			۰/۳۰۶	۰/۰۰۰
	پاسخ‌گویی	۰/۲۴۳			۰/۲۵۸	۰/۰۰۰
	عدالت	۰/۳۸۵			۰/۱۰۱	۰/۰۰۱
	شفافیت	۰/۲۱۹			۰/۱۹۴	۰/۰۰۰
	اثربخشی و کارایی	۰/۴۰۶			۰/۰۹۶	۰/۰۰۱
	امنیت	۰/۱۷۸			۰/۱۷۶	۰/۰۰۰
	اجتماع‌گرایی	۰/۲۷۸			۰/۲۰۹	۰/۰۰۲
شهرک الوند	قانونمندی	۰/۲۲۳	۰/۲۸۰	۰/۸۶	۰/۳۰۶	۰/۰۰۰
	مشارکت	۰/۲۷۳			۰/۲۱۹	۰/۰۰۰
	پاسخ‌گویی	۰/۲۱۱			۰/۳۷۴	۰/۰۰۰
	عدالت	۰/۱۷۸			۰/۴۰۵	۰/۰۰۳
	شفافیت	۰/۳۱۱			۰/۱۵۴	۰/۰۰۱
	اثربخشی و کارایی	۰/۳۸۵			۰/۰۸۶	۰/۰۰۰
	امنیت	۰/۳۵۷			۰/۱۰۹	۰/۰۰۰
	اجتماع‌گرایی	۰/۲۹۵			۰/۱۸۷	۰/۰۰۰
کوچه‌مشکی	قانونمندی	۰/۲۶۳	۰/۲۷۸	۰/۸۳	۰/۲۷۴	۰/۰۰۰
	مشارکت	۰/۳۱۵			۰/۲۲۵	۰/۰۰۰
	پاسخ‌گویی	۰/۲۲۳			۰/۳۵۴	۰/۰۰۱
	عدالت	۰/۳۴۷			۰/۱۸۳	۰/۰۰۰
	شفافیت	۰/۱۷۹			۰/۴۱۷	۰/۰۰۲
	اثربخشی و کارایی	۰/۱۴۳			۰/۴۵۷	۰/۰۰۰
	امنیت	۰/۳۷۱			۰/۱۳۷	۰/۰۰۰
	اجتماع‌گرایی	۰/۳۷۵			۰/۱۱۱	۰/۰۰۰

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴)

نتیجه‌گیری

مفهوم حکمروایی مطلوب شهری بر این اصل استوار است که مسئولیت اداره جوامع شهری، برعهده دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی باشد؛ به عبارت دیگر حکومت، تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز توسعه جامعه شهری می‌شود. سه نهاد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی، زمینه‌ساز حکمروایی مطلوب شهری هستند که از ترکیب عملکرد آن‌ها، حکمروایی مطلوب شهری به وجود آید. دولت با در دست داشتن ابزار قدرت، به تنظیم قوانین و متعادل کردن روابط نهادهای مدنی می‌پردازد. جامعه مدنی، تسهیل‌کننده تعاملات میان اجتماع و سیاست است و بخش خصوصی، شغل و درآمد ایجاد می‌کند. به عبارتی، سه عنصر قدرت، نفوذ و پول حاصل کارکرد هر یک از نهادهای یادشده بوده که از تعامل منطقی سه نهاد گفته شده، ارزش‌های اساسی جامعه یعنی آزادی، عدالت، رفاه و امنیت تحقق می‌یابد و درنهایت موجب توسعه پایدار انسانی می‌شود.

از طرفی، مدیریت شهری نیز به شکل سنتی با توجه به پیچیده‌تر شدن مسائل و مشکلات شهری، جوابگوی مدیریت و اداره بهینه شهرها نیست؛ به همین دلیل در سال‌های اخیر رویکردهای متعددی در حوزه مدیریت شهری به منظور عملکرد بهینه این مدیریت مطرح شده که از جمله مهم‌ترین این رویکردها می‌توان به حکمروایی مطلوب شهری و مدیریت محله اشاره کرد. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد، تشکیل و انسجام مدیریت محله در صورت وجود بستر مناسب برای این نهاد، به بهترین نحو می‌تواند به منزله پل ارتباطی بین شهروندان، ارگان‌های شهری و سازمان‌های دولتی و فراهم‌کننده خدمات شهری باشد؛ چرا که مدیریت محله و محله‌محوری می‌تواند از یک طرف خلأ و شکاف بین نهادهای دولتی و شهروندان را پر کند و از طرف دیگر به منزله اجرایی‌ترین ابزار برای مشارکت شهروندان در اداره امور مربوط به خود باشد.

نتیجه‌گیری از یافته‌های تحلیلی تحقیق نیز گویای این مطالب است. به نحوی که از مقایسه تفاوت نمره آزمون ANOVA و آزمون تعقیبی آن (Tukey)، مشخص شد شاخص‌های شفافیت، عدالت، کارایی و پاسخ‌گویی بیشترین کارکرد و تأثیر عملکردی را در مطلوبیت حکمروایی شهری دارند. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که شاخص‌های شفافیت، عدالت، اثربخشی و کارایی و پاسخ‌گویی که به ترتیب به دنبال بیشترین رضایتمندی شهروندان از خدمات ارائه شده و افزایش پاسخ‌گویی مدیریت محلات شهر همدان (مدرس، الوند، کوچه‌مشکی) است، دارای بالاترین عملکرد در شکل‌گیری الگوی مطلوب مدیریت محله می‌باشند. مطابق با نتایج حاصل از آزمون تحلیل تشخیص (Discriminate) نیز مشخص شد که شاخص‌های قانونمندی، عدالت و اثربخشی و کارایی توان بیشتری در پیش‌بینی میزان مطلوبیت شاخصه‌های حکمروایی خوب شهری را در سطح محلات شهر همدان داشته‌اند. شاخص‌های تحقیق از مطالعات کاداگو و همکاران (۲۰۱۰)، موریتا و زالک (۲۰۰۷)، داوونر (۲۰۰۰) و تقوایی و تاجدار (۱۳۸۸)، به دست آمده است و مقایسه نتایج تحقیق با مطالعه موحد و همکاران (۱۳۹۳) نشان می‌دهد که در مطالعه آن‌ها مشارکت، اجماع محوری و قانونمندی مهم‌ترین شاخص‌های حکمروایی خوب شهری محسوب می‌شوند که در این تحقیق بیشترین مطلوبیت شامل شاخص‌های شفافیت، عدالت، اثربخشی و کارایی و پاسخ‌گویی است. با توجه به ضعف مدیریت محله‌ای بر مبنای حکروایی در محلات مورد مطالعه می‌توان راهکارهای زیر را ارائه کرد:

- بازتنظیم قوانین مصوب در رابطه با مدیریت محله محور با تأکید بر شاخص‌های پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری.
- تنظیم قوانین مالی و اداری و در نظر گرفتن بودجه برای این نهادهای مردمی و همچنین ایجاد سامانه ارتباطی مناسب بین مسئولان و شهروندان.

مافی، عزت اله و شاداب‌مهر، هومن (۱۳۹۳)، امکان‌سنجی بکارگیری حکمروایی خوب شهری در حمل و نقل، اولین همایش ملی نقش برنامه ریزی و طراحی شهری در سیلاب شهری، آمل.

محقر، علی، شفیعی، حسن (۱۳۹۰)، مدیریت محلی و توسعه پایدار محلی شهری، مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای، جلد سوم مدیریت توسعه محله‌ای.

مرکز آمار و فناوری شهرداری شهر همدان، (۱۳۹۳)، آمارنامه شهر همدان، پروتال شهرداری همدان.

مشکینی، ابولفضل و پورموسوی، سیدموسی و موذن، سهراب (۱۳۹۳)، ارزیابی الگوی مدیریت محله مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری، فصلنامه مطالعات شهری، دانشگاه کردستان، دوره ۱، شماره ششم، صص ۴۲-۳۱.

معصومی، هیرید، (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر سرمایه انسانی بر رقابت پذیر شدن بانک، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)، شماره سوم، صص ۱۵۶-۱۲۷.

موحد، علی، کمان رودی، موسی، ساسان پور، فرزانه، قاسمی، سجاد (۱۳۹۳)، بررسی حکمروایی خوب شهری در محله‌های شهری، مطالعه موردی منطقه ۱۹ شهرداری تهران، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری، دانشگاه مازندران، سال دوم، شماره ۷، صص ۱۷۶-۱۴۷.

Aijaz.R. (2009). "Capacity building of municipal functionaries for good governance in Uttarakhand, India", Habitat International 34 (2010) 386-391.

Andreasen Anders, Bard (۲۰۰۲). Bridging Human Rights and Governance: Constructing Civic Competence and the Reconstitution of Political Order. Kluwer .Law International. Netherland. 95.

Beard, V. (2007). Household Contributions to Community Development in Indonesia. World Development 35 (4): 607-25.

Beard, V. (2013). Citizen Planner: From Self-Help to Political Transformation, Oxford Publication.

Davis, M. (2006). Planet of Slums. London: Verso.

Dekker, K and Van Kempen, R (2004). Governance arrangements focusing on social cohesion: the Big Cities Policies in The Hague, The Netherlands. Eura-Eurocities paper.

Department for Communities and Local Government (2011); Factsheet 6; Neighborhood Management.

Downer, Alexander (2000), Good Governance (Guiding principles for implementation), Australia, Canberra Mailing Centre.

– استفاده مؤثر از نظرات شهروندان و دخیل کردن آن‌ها در مدیریت محله براساس شاخص مشارکت‌پذیری.

– برگزاری جلسات سالانه، ماهانه و حتی هفتگی و عضوگیری با شرایط عادلانه نهادهای مردمی به منظور استفاده برابر از نظرات شهروندان.

– برگزاری جلسات بین شهروندان و مسئولان به منظور رفع مشکلات محله (با توجه به اینکه شهروندان بیشتر به این مشکلات واقفاند).

– شفافیت پروژه‌های عمرانی در محلات به منظور آگاه‌سازی شهروندان و استفاده از مشارکت آن‌ها در طرح‌ها و پروژه‌ها.

منابع

پورمحمدی، محمدرضا؛ حسین زاده دلیر، کریم؛ پیری، عیسی (۱۳۹۰)، حکمروایی مطلوب شهری بر بنیان سرمایه اجتماعی: آزمون نظم نهادی -فضایی ارتباطی و فاعلیت مندی غیراقتصادی، مطالعه موردی کلانشهر تبریز، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، مرکز پژوهشی علوم جغرافیایی و مطالعات اجتماعی، دانشگاه حکیم سبزواری، سال اول، شماره اول، صص ۵۲-۳۵.

تقوایی، علی اکبر و تاجدار، رسول (۱۳۸۸)، درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رو یکردی تحلیلی، فصلنامه مدیریت شهری، سازمان شهرداریها و دهیاریها، شماره ۲۳، صص ۵۸-۴۵.

حاتمی‌نژاد، حسین؛ فرجی‌ملایی، امین (۱۳۹۰) امکان‌سنجی اجرای طرح‌های استراتژی توسعه شهری در ایران، مطالعات پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره هشتم، صص ۷۶-۵۵.

صرافی، مظفر و اسماعیل زاده، حسن (۱۳۸۵)، شهروندمداری راهکاری برای حل مسائل شهری در ایران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، موسسه اطلاعات، شماره ۲۱۷ و ۲۱۸، صص ۱۴۵-۱۳۶.

غراوی بای، محمد (۱۳۹۱)، نگاهی به مفهوم حکمروایی شهری هدفها، مدلها و شاخصهای آن، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، موسسه اطلاعات، شماره ۲۸۹، صص ۲۰۶-۱۹۸.

لاله پور، منیژه (۱۳۸۶)، حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه، جستارهای شهرسازی، حسین جهانشاهی، شماره ۲۰، صص ۷۱-۶۰.

- Roberts, S.M Wright S. and O'Neil PH. (2007). "Good governance in the Pacific? Ambivalence and possibility", *Geoforum* 38 967-984.
- Sheng, Y.K. (2010). "Good Governance in Southeast Asia", *Environment and Urbanization ASIA*, 1, 2: 131-147.
- UN- Habitat (2007). Campaign on urban governance, site: www. UN habitat. Org.
- UNDP (2001). "Good Governance and Sustainable Human Development: A UNDP Policy Document New York.
- UN-HABITAT (2002); The Global Campaign on Urban Governance, concept paper, 2nd Edition, Nairobi.
- Urban Task Force (1999). Toward an Urban Renaissance, E & FN Spon, London.
- Van Dijk, M Pieter (2006), Managing cities in developing countries: the theory and practice, of urban management, Edward Elgar publishing, UK.
- Vansant, J. (2001). Cooperation for Good Governance. Terry Sanford Institute of public policy.
- Watson. V. (2009), the planned city sweeps the poor away: Urban planning and 21st century urbanization, *Journal of Progress in Planning*, vol. 72. p. 151-193.
- Evans. Bobs & others. (2005), "Governing Sustainable Citie", First published by Earthscan in the K and USA in 2005.
- Kadago, Joseph, Sandholz Simone, Hamhaber Johannes (2010); Good urban governance, actors' relations and paradigms: Lessons from Nairobi, Kenya, and Recife, Brazil, 46th ISOCARP Congress.
- Mc.Carney.P & et al. (1995) "Towards and Understanding of Governance: The emergency of an idea and its implications four urban research in developing countries.the university of Toronto.
- Morita, Sachiko and Zaelke, (2007) Rule of law, GoodGovernance and Sustainable Development. Routledge, London Ec4p4EE.
- Neighborhood Renewal Unit (2006); Neighborhood Management – at the Turning Point? Office of the Deputy Prime Minister.
- Racodi, C (2001). Forget planning, put politics first? Priorities for urban management in developing countries. *Jurnal gag? Volomes 1-issue 3*, 2001.
- Report of the Local Services and Community Safety Overview and Scrutiny Committee (2011); Neighborhood Management, Birmingham City Council.